

امارت اسلامی افغانستان

و

تعاملات حمایه گران منطقی شان



بارنت روبین

بارنت روبین، مشاور پیشین ایالات متحده امریکا در امور آسیای جنوبی، استاد دانشگاه نیویورک، افغانستانی شناس امریکایی و پژوهشگر ارشد در مرکز همکاری های بین المللی است. وی درین رشته دکترا دارد و با زبان فارسی نیز خوب مسلط است. همچنان در اجلاس بن (جرگه خابینین ملی) نیز اشتراک کرده و در تشکیل دولت انتقالی کرزی (شاه شجاع سوم) نقش موثری را بازی کرده بود. کتب زیادی در مورد " اقتصاد غیرقانونی میان پاکستان - افغانستان و ایران " به رشته تحریر درآورده است و یک آکادمسین

و طراح خطوط استراتژیک و همکار نزدیک زلمی خلیلزاد به شمار میرود که ایالات متحده آمریکا نیز توجه خاص به وی دارد.

تاریخ 27 مارچ 2020، بارنت روبین؛ گفته بود که دولت افغانستان با سقوط مواجه است. وی، بحران اقتصادی ناشی از گسترش ویروس کرونا در ایالات متحده امریکارا با مرگ "اتحاد جماهیر شوروی" مقایسه کرده بود و تذکر داد که این بحران خطر فروپاشی دولت افغانستان را افزایش می دهد. وی در همان زمان به کاخ سفید مطرح کرد که :

«برای عبور از دوره هدف میان مدت، توافق سیاسی نه تنها با طالبان که با پاکستان و دیگر کشورهای منطقه ضروری است. برای حصول یک توافق، آمریکا باید از سویی برای پایان حضور نظامی خود زمانی را مشخص کند تا از آن به عنوان عامل اصلی چانه زنی استفاده کند و از سویی دیگر در مذاکره با طالبان و کشورهای همسایه افغانستان بر سر ایجاد زمان بندی خروج نیروها تمایل نشان دهد.» (افق نیوز)

او یکسال قبل ازین (27 اکتوبر 2018) در هفتمین نشست امنیتی در قلعه اختیارالدین هرات (ارگ هرات) گفته بود که:

« راهبرد دونالد ترامپ، برای جنوب آسیا پر از نقیصه است، زیرا این راهبرد تنها پاکستان و هند را نقش داده است اما نقش ایران، روسیه و چین - که بسیار پر از اهمیت است - در نظر نگرفته است. » (طلوع نیوز)

وی همچنان به کاخ سفید تاکید کرده بود که :

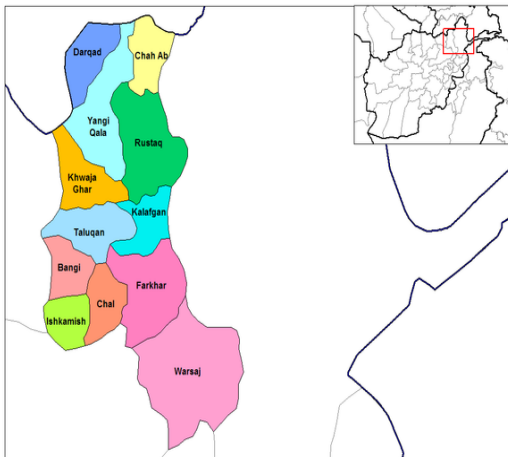
« باید در توزیع قدرت نقش رسمی به طالبان داده شود.»

و به زلمی خلیلزاد هنگام توافقات صلح دوحه این خطوط استراتژیک را مطرح کرده بود:

این گفته‌های بارنت روبین، مورد توجه ایالات متحده آمریکا قرار گرفته و روی جوانب مختلف آن غور و بررسی را آغاز و در مذاکرات میان آمریکا و طالبان مد نظر گرفته شد، حتی بدون اینکه دولت دست‌نشانده خود در کابل را در آن سهم سازند، امپریالیست‌های اشغالگر آمریکایی در اثناء پیشبرد مذاکرات صلح دوحه روابط تنگاتنگ امارت اسلامی افغانستان با روسیه، چین، پاکستان و ایران را زیر نظر گرفتند و بر مبنا چنین روابطی بود که "پیمان صلح" با طالبان نهایی و میان امارت اسلامی افغانستان و اشغالگران آمریکایی به امضاء رسید.

روسیه:

در مورد اینکه ضمیر کابولوف با امارت اسلامی افغانستان چگونه تامین رابطه کرد سوالات زیادی مطرح گردیده است. در واقع مولوی قاسم که مسئول خریداری اسلحه طالبان بود با ضمیر کابولوف که نماینده روسیه برای پاکستان و افغانستان بود، تماس برقرار نموده و پس از تامین ارتباط برای روس‌ها پیشنهاد خریداری سلاح از روسیه را نموده بود که روسها به آن پاسخ مثبت داده و غرض صحبت‌های مفصل در این مورد را به بعد موکول نموده بودند.



امارت اسلامی افغانستان زمانی که بحث روی خریداری اسلحه از روسیه به میان آمد، به این فکرافتادند که مبادا فرصت تامین رابطه با روس‌ها از دست بدهند لذا با همکاری چین و پاکستان، منطقه "درقد" را به تصرف خود در آوردند. "درقد" که در شمال ولایت تخار موقعیت دارد و با کشور تاجکستان هم مرز است به شکل جزیره‌ای واقع در دریای آمو قرار گرفته که تصرف این منطقه از لحاظ استراتژیک به نفع روس‌ها نبود و همین خاطر پوتین در صدد ملاقات با طالبان‌گردید و در عین زمان تاجکستان نیز در سرحدات خود با افغانستان دست به مانور نظامی زد.

در ملاقات طالبان با روس‌ها، پوتین مطرح می‌نماید که چون سرحدات ما مصئون است، امارت اسلامی افغانستان باید کوشش کند تا جلوی پیشرفت گروه داعش

در سرحدات ما را بگیرد که درین صورت روسیه در مورد خرید اسلحه امکانات را برای طالبان مساعد خواهد ساخت. در یک کلام روسیه از طالبان حمایت خود را رسماً اعلام نمود و بالمقابل از طالبان خواست تا جلوی برنامه آمریکایی (گسترش داعش) در سرحدات با کشورهای آسیای میانه را بگیرند که طالبان نیز با آن موافقت نمودند.

روسیه پیشنهاد دیگری که به امارت اسلامی افغانستان داد این بود که احزاب اسلامی در آسیای میانه مثل حزب اسلامی تاجکستان، حزب اسلامی قرقزیستان و گروه اسلامی طاهر یلداش ازبکستان که در افغانستان حضور دارند حمایت نموده و جلوی هرگونه تحرکات و فعالیت‌های آنها را از خاک افغانستان بگیرند. درین گفتگوها طالبان به طرف روسی خود مطرح کردند که در حال حاضر در شمال افغانستان نفوذ و تسلط چندان ندارند و نه هم توان جلوگیری از توسعه و گسترش فعالیت‌های نیروهای اسلامی کشورهای مذکور را دارند. آنها یادآوری کردند که هر زمانی قدرت را در شمال افغانستان تصرف نمایند این کار جلوگیری خواهند نمود. این عذر به اصطلاح خالصانه طالبان پوتین را وادار نمود تا در قسمت دستیابی طالبان به شمال نیز همکاری نماید.

سومین پیشنهاد پوتین به امارت اسلامی افغانستان این بود که در ساختارهای بعدی دولتی در افغانستان طالبان را کمک خواهد کرد تا قدرت را به دست بگیرند البته به شرط اینکه در پست‌های کلیدی از دوستان روسی (خلق - پرچم) استفاده صورت بگیرد، درین رابطه طالبان هیچ وعده‌ای به روسیه ندادند ولی اظهار نموده بودند که این موضوعات را به رهبری شورای کوبته انتقال و درین رابطه

غور و بررسی صورت خواهد گرفت اما در مورد دو پیشنهاد اولیه پوتین آنها وعده سپردند که با روسیه همکاری نزدیک خواهند داشت.

ایران:

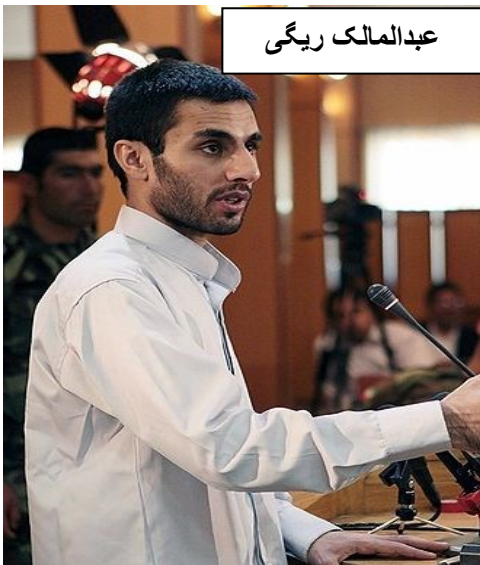
بحث مصاحبه نجفی زاده (رئیس تلویزیون طلوع) با ظریف (وزیر خارجه ایران) نیز در رسانه‌های اجتماعی دست به دست گردید. طوری که درین مصاحبه وقتی که نجفی زاده از آقای ظریف سوال نمود که آیا طالبان را بعنوان یک گروه تروریستی می‌شناسید؟



ظریف بسیار محتاطانه مطرح ساخت که طالبان تا هنوز در لیست سیاه سازمان ملل متحد قرار دارند و تا زمانی که طالبان در لیست سیاه سازمان ملل متحد قرار داشته باشند در لیست سیاه جمهوری اسلامی ایران نیز قرار خواهند داشت.

و هنگامی که از وی پرسیده شد با وجودیکه شما طالبان را در لیست سیاه قرار داده اید پس چرا رابطه را با آنها تامین می‌کنید؟ پاسخ ظریف بسیار واضح و روشن بود او مطرح کرد که ایران با افغانستان مرز طولانی دارد که بخش‌های بیشتر آن تحت کنترل طالبان است ایران ناگزیر بخاطر حفظ منافع خود با آنها وارد صحبت و معامله گردد که منافع جمهوری اسلامی ایران نیز آن را ایجاب می‌نماید.

این گفته‌ها در اصل رسمیت دادن به گروه فاطمیون تحت رهبری محقق بود، آن چیزی که محقق باید در راس این مسئولیت قرار می‌گرفت.



از طرف دیگر، در سرحدات نیمروز گروه "عبدالمجید ریگی" که با نام "عبدالمالک ریگی" مشهور بود فعالیت داشتند. وی رهبر جندالله بود و علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت مسلحانه می‌کرد در چندین پرونده از سوی دولت‌های پاکستان و ایران متهم به قاچاق مواد مخدر، آدم ربائی و ترور شخصیت‌های برجسته سپاه پاسداران ایران بود. وی ماه حوت 1388 توسط اطلاعات ایران دستگیر گردید و پس از وی گروه جندالله، را محمد ظاهر بلوچ بعنوان جانشین وی گردانندگی میکند.

این گروه در نیمروز افغانستان علیه دولت ایران فعالیت دارند و به افغانستان و امارت اسلامی افغانستان هیچ کاری نداشتند فقط از طالبان می‌خواستند که به آنان مزاحمت ایجاد نکنند. اشغالگران امریکایی که در پروسه صلح قطر از طریق خلیلزاد طالبان را به پای میز مذاکره کشاند، قرار برین شد که جلو فعالیت‌های گروه جندالله در نیمروز را نگیرند و طالبان هم پذیرفته بودند و مطرح کرده اند که این گروه برای فعلا به اینجا پناه آورده اند و از جمله پناهجویان سیاسی برون مرزی محسوب میشوند و طالبان برای فعلا به فعالیت‌هایشان در نیمروز کاری ندارند. در واقعیت امر در فروپاشی و سقوط ولایت نیمروز و به تعقیب آن ولایات فراه و هرات نیز یک سلسله همکاری‌ها میان گروه جندالله و طالبان صورت گرفت و بر همین مبنی است که امروز ایران یکصد و هشتاد درجه تغییر موضع میدهد و از جبهه مقاومت پنجشیر به رهبری احمد مسعود به دفاع بر می‌خیزد و علیه طالبان شعار سرمی‌دهد.

پاکستان:

از نیروهای پان اسلامیزم پاکستانی یعنی انصارالاسلام نیز یک نفرش در ولایت ننگرهار کشته شد. یک گروه دیگرشان نیز در بلوچستان پاکستان و در داخل خاک افغانستان فعالیت میکردند. به این دو گروه نیز امارت اسلامی افغانستان کاری نداشتند. در وزیرستان هم در اصل پاکستانی های انصارالاسلام است که برضد دولت افغانستان و همچنان بر ضد امارت اسلامی افغانستان کاری نداشتند صرفا فعالیت شان متکی بر مبارزه علیه دولت پاکستان است.

در باجور و کنر نیز پیروان صوفی محمد و مولوی فضل الله رهبر تحریک طالبان پاکستانی وجود دارند که علیه دولت پاکستان فعالیت می کنند ولی به امارت اسلامی افغانستان و دولت گذشته اشرف غنی کاری نداشتند.

چین:

به این ترتیب احزاب پان اسلامیزم و بنیادگرا در داخل افغانستان از بیست حزب بالاتر می رود، از طالبان افغانستانی گرفته تا داعش، جندالله، القاعده، انصارالاسلام، احزاب اسلامی و غیره.



گروه افراط گرای اسلامی اویغور

حزب اسلامی ترکستان شمالی (گروه افراط گرای اسلامی اویغور) ، که از جمله احزاب پان اسلامیزم چینی محسوب میشود، و توسط تندروان اویغور در غرب چین تاسیس شده است و چین، اتحادیه اروپا، بریتانیا، روسیه و پاکستان آن را یک گروه "تروریستی" می دانند. اهداف اعلام شده این گروه ایجاد دولت مستقل به نام "ترکستان شرقی" در سین کیانگ چین است، این گروه نیز در داخل افغانستان است اما در جنگ افغانستان دخیل نیست و مشکل خود را با کشورهای خود دارند و چینی های پان اسلامیزم بدخشان را امریکائی ها کمک می کردند.

از آنجائی که چین یکی از حامیان منطقوی امارت اسلامی افغانستان بشمار می رود، به دلیل تفاهمی که میان طالبان و چین صورت گرفته بود، طالبان در بدخشان جلوی کمک اشغالگران امریکایی را به حزب اسلامی ترکستان شمال گرفته بودند و در مقابل آن طالبان حمایت چین را با خود حفظ نمودند. دولت چین هم به امارت اسلامی افغانستان پیشنهاد کرده بود که اویغورهای مستقر در بدخشان را که تعدادشان به هزاران تن میرسد و در آن منطقه جابجا شده اند مانع فعالیت های آنها علیه چین شوند و همچنان دولت چین از طریق موسسه آقاخان کمک های خیریه بیشتر را به امارت اسلامی افغانستان خواهد کرد تا مواظب پناهندگان مسلمان چین در بدخشان باشند و حتی وعده سپرده بود که در چوکات سازمان ملل متحد آنها را از لحاظ منطقوی حمایت خواهد نمود.

در حال حاضر بیست و دو تنظیم افراط گرای اسلامی به ترتیب ذیل، داخل افغانستان حضور دارند:

1. شبکه حقانی طالبان
2. القاعده
3. داعش

4. لشکر جنگوی
5. لشکر طیبه
6. لشکر اسلام
7. جیش محمد
8. سپاه صحابه
9. گروه جندالله
10. جماعت الاحرار
11. انصار الاسلام
12. حزب التحریر
13. حرکت اسلامی ازبکستان
14. گروه اسلامی ترکستان شرقی
15. تحریک طالبان پاکستانی در باجور به رهبری صوفی محمد
16. تحریک طالبان پاکستانی در کنر به رهبری مولوی فضل الله
17. گروه اسلامی تاجکستان
18. حزب اسلامی قرقریستان
19. گروه اسلامی طاهر یلداش ازبکستان
20. حزب اسلامی ترکستان شمالی (گروه افراط گرای اسلامی اویغور)
21. اتحاد جهاد اسلامی
22. انصارالله

برعلاوه آن در داخل افغانستان بیش از 50 گروه اسلامی دیگر هم است که تحت حمایت خارجی‌ها زندگی می‌کنند. اما این بیست تنظیم اسلام‌گرای افراطی حمایت‌های امارت اسلامی طالبان را با خود دارند. با ظهور داعش در سال 2015 تبادل اطلاعات بین امارت اسلامی افغانستان و روس‌ها آغاز شد. ملاختر محمد منصور نیز با پوتین در تاجیکستان ملاقات کرده بود. تلاش‌های نظامی اشغالگران امریکایی مشابه به ماموریت یک نیروی نوع استعماری به هدف حمایت به خاطر جلوگیری از سقوط حکومت محلی در کابل بود که پس از غور و بررسی در کاخ سفید به این نتیجه رسیدند که چاره‌ای دیگری غیر از طرحی را که بارنت روبین تحت عنوان "واگذاری قدرت اصلی به طالبان" به کاخ سفید پیشنهاد داده بود، ندارند.

امپریالیست‌های اشغالگر امریکایی با تکیه بر همین مواضع و حدت یافتن تضادهای ذات‌البینی امپریالیستی بود که فروپاشی شگفت‌انگیز رژیم دست‌نشانده‌شان در کابل را تسریع بخشیده و قدرت اصلی را به طالبان واگذار کردند تا از یکطرف مصارف اقتصادی و هزینه جنگ بیست ساله‌شان کاهش یابد و از طرف دیگر هژمونی (اقتدارطلبی) منطقوی کماکان در انحصار آنان باقی بماند.

طوری‌که در معاهده صلح قطر نیز پیمان امنیتی ایالات متحده امریکا، حریم هوایی افغانستان، پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در داخل خاک کشور به بحث گرفته نشده بود و اشغالگران امپریالیست ازین دیدگاه منافع‌شان را کماکان حفظ کرده‌اند.